

سه شنبه 6 تیر 1396 - 2 شوال 1438 - 27 ژوئن 2017

قتل "قائم مقام فراهانی" از رجال نامدار دوره قاجار و صدر اعظم محمدشاه قاجار (1214ش)

**قتل "قائم مقام فراهانی" از رجال نامدار دوره قاجار و صدر اعظم محمدشاه قاجار (1214ش)**

محمدشاه قاجار چون به پادشاهی رسید، وزارت خود را به پیشکارش میرزا ابوالقاسم فراهانی داد. او وزیری با تدبیر و با نفوذ بود. اما چون محمدشاه مرد ضعیف و بیمار بود، در اداره امور مملکت به رأی او کمتر توجه داشت. وی در مقام صدارت اعظمی، شاهزادگان خودسر قاجار را با خشونت و قساوت رام ساخت. قائم مقام با همه هوش و کفایت، کاردانی، قدرت بر تقریر و تحریر، درایت در امور اجتماعی و سیاسی و احاطه عجیب بر ادب فارسی و عربی، مردی خودپسند و مغرور بود که در پیشبرد مقاصد خود از کشتن و کور کردن مخالفان و دروغ و نیرنگ خودداری نمی‌کرد و در این راه، دوست و دشمن نمی‌شناخت. این هیبت و صلابت و قدرت و برندگی که خواه ناخواه با سنگدلی و حق‌ناشناسی و استبداد رأی و بلندپروازی و خودپسندی و دریدگی همراه بود موجب شد قائم مقام در بین طبقات مردم، محبوبیتی در خور نداشته بلکه همواره مورد حسد و بغض درباریان و بدگمانی شاه قاجار باشد. حسودان و دشمنان قائم مقام، سرانجام محمدشاه را به اعدام او موافق کردند و با کمک حاج میرزا آقاسی فرمان قتل قائم مقام را از شاه گرفتند. او را در شب آخر صفر 1251 ق برابر با ششم تیرماه 1214ش با دستمالی خفه کرده و جسدش را در حرم شاه عبدالعظیم دفن نمودند. قائم مقام فراهانی علاوه بر مقام سیاسی، دارای تبخّر علمی در بسیاری از فنون، مخصوصاً علوم و فنون ادبی و ساده‌نویسی بود و سبکی جدید در نثر فارسی به وجود آورد. از آثار مشهور این سیاست‌مدار و نویسنده ایرانی می‌توان به کتاب‌های منشآت، جلایر نامه و دیوان اشعار او، اشاره کرد.

قیام مردم تبریز به رهبری ستارخان و باقرخان علیه استبداد محمدعلی شاه قاجار (1287 ش)

بی‌اعتنائی محمدعلی شاه قاجار به مشروطیت و مخالفت با مشروطه خواهان و سرکوبی آنان و نیز به توپ بستن مجلس شورای ملی، مردم ایران را به شورش واداشت و در این راه، مردم تبریز از دیگران پیشی گرفتند. در این میان دو تن از رادمردان تبریز به نام‌های ستارخان (سردار ملی) و باقرخان (سالار ملی) به جمع مردم پیوستند و به رهبری قیام مردمی پرداختند. این دو با همراهی مردم، در مقابل قشون عظیم محمدعلی شاه قاجار به مدت یازده ماه مقاومت کرده و از ورود نیروهای دولتی به شهر ممانعت می‌نمودند. در اواخر، چون کار اهالی تبریز به خاطر محاصره و نرسیدن آذوقه سخت شده بود، پس از مذاکره با نمایندگان روس و انگلیس و تصویب آن دو دولت، قرار بر این شد که عده‌ای از نیروهای روس وارد تبریز شوند. با ورود نیروهای روسیه به تبریز، محاصره این شهر پایان یافت و قشون غارتگر محمدعلی شاه از اطراف تبریز متفرق شدند. در عین حال، چون به دلیل حضور قوای روس در تبریز، موقعیت خطرناکی برای ستارخان و باقرخان ایجاد شده بود، این دو به همراه تعداد دیگری از آزادی خواهان به سفارت عثمانی در تبریز پناهنده شدند.

سوء قصد به جان حضرت آیت الله "خامنه‌ای" امام جمعه تهران در مسجد ابوذر (1360ش)

بعد از تشکیل نظام جمهوری اسلامی در ایران، توطئه‌های استکبار جهانی علیه حکومت نوپای اسلامی فزونی گرفت و با تجهیز و تقویت گروهک‌ها و جریان‌ات ضد انقلاب، درصدد نابودی نظام اسلامی برآمد. در همین راستا، عوامل ضد انقلاب که تا چندی قبل، با حيله و تزوير، خود را انقلابي معرفي مي‌کردند، نقاب از چهره برداشتند و با سوء استفاده از موقعیت به وجود آمده، به سلب آسایش و امنیت مردم مشغول شدند. یکی از این گروه‌ها، سازمان منافقین خلق (مجاهدین خلق) بود که با ترور شخصیت‌های اسلامی و انقلابی، سعی داشت به اهداف پلید و شوم خود دست یابد. مقام معظم رهبری که در آن وقت، نماینده امام خمینی (ره) در شورای عالی دفاع و نیز امام جمعه تهران بودند، با روشنگری‌های خویش، مردم را نسبت به ماهیت پلید این گروهک‌ها آشنا و نظرات آنان را در سخنرانی‌ها مطرح می‌ساختند. همین امر، موجب گردید که گروهک منافقین، از میان بردن معظم له را در برنامه کار خود قرار دهد. در نهایت در ششم تیرماه 1360، حضرت آیت الله خامنه‌ای که به منظور ایراد سخنرانی در مسجد ابوذر واقع در میدان ابوذر در شرق تهران حضور داشتند، در حین پاسخگویی به پرسش‌های حاضرین، بر اثر انفجار بمبی که توسط منافقین در يك دستگاه ضبط صوت کار گذاشته شده بود، از ناحیه کتف، گردن و دست به شدت زخمی شدند و به بیمارستان منتقل گردیدند. اما ایشان به طور معجزه‌آسای زنده ماندند و این از الطاف الهی بود که این گنجینه گرانمایه و عزیز برای رهبری امت اسلام بعد از حضرت امام، حفظ شود تا سکاندار شایسته و لایقی جهت هدایت کشتی انقلاب اسلامی در اقیانوس متلاطم تحولات جهانی باشند. کینه‌توزی‌های منافقین همچنان ادامه یافت و فردای آن روز با منفجر کردن دفتر مرکزی حزب جمهوری

امضای قرار داد صلح بین دولت تاجیکستان و مخالفان دولت در مسکو (1997م)

حدود يك سال پس از استقلال تاجیکستان در سال 1991م، جنگ داخلی در مورد نحوه اداره کشور میان اسلام گرایان و دولت مردان طرفدار روسیه در گرفت که خسارات و تلفات فراوانی بر جای گذاشت. در این مدت، کشورهای منطقه و سازمان ملل متحد تلاش کردند آرامش را به این کشور آسیای مرکزی بازگردانند. حاصل این تلاش‌ها، توافقنامه‌ای بود که با وساطت ایران و روسیه در ماه مه 1997م در تهران امضا و در 27 ژوئن آن سال، در مسکو نهایی شد. بر اساس این توافقنامه که بین امامعلی رحمانف رئیس جمهور و سید عبدالله نوری رهبر مخالفان اسلام گرای تاجیکستان به امضا رسید، سی در صد از سمت‌های دولتی به مخالفان واگذار شد و نیروهای آنان نیز در ارتش تاجیکستان ادغام شدند. این توافقنامه به جنگ داخلی پنج ساله در این کشور خاتمه داد. اسلامی، جنایتی دیگر را ورق زدند.